

صراحی بشکل بط زبویه ۷۰۰ تا ۸۰۰ ق. م موزه ایران باستان

# مرغ صراحی

شرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

نمونه‌هایی از دوهزاروپانصد سال حفظ سنت در هنر

محمدحسن سمار  
رئیس موزه هنرهای تزئینی

از جهان پرتو افشانه، وزمانی نیز در جنگال تیرگیها بیفروغ  
و کم نور گشته، اما هرگز هیچ تندبادی نتوانسته‌است آن را  
خاموش سازد. راستی چرا؟

سده‌های بسیار است که مشعل فرهنگ ایران را همواره  
روشن و تابناک می‌یابیم.  
اگرچه این مشعل گاهی چون خورشید بر بخشی بزرگ

آن در برابر سیلابهای بتیان کن و رویدادهای سهمناک استوار داشته‌اند. بنابراین بخوبی آشکار است پاسخ پرسش گذشته را در نهاد ملت ایران باید جستجو کرد.

عشق بمیهن و آنچه مربوط بمیهن است، عشق بمرزوبوم پدران خویش، وسنتها ورسومی که میراث پدران ما بوده‌است. اگر میهن ما وملت ما باقی ماند بدان سبب بود که نه تنها ملت ما در برابر هیچ نیروئی مغلوب نشد بلکه همیشه نیروی غالب را درخود جذب کرد.

این استواری وپایداری را چه کسانی پدید آوردند؟ تنها شمشیر بشاران سردارانی چون سورتا، ابومسلم ویا بک خرم‌دین سبب این استواری شد، ویا اندیشه توانای اندیشمندانی چون بزرگمهر وفضل بن سهل سرخسی؟

آیا گفتار دل‌انگیز رودکی، و فردوسی و حافظ ویا با سرانگشت هنر آفرین محمد بن علی فارسی (ابن منته) و کمال الدین بهزاد و رضا عباسی این پایداری را نیرو بخشید؟

پاسخ باین سئوالات بسیار دشوار است. همانگونه که پاسخ باین پرسش، که در یک نبرد میهنی بخشی اصلی بیروزی از آن کیست؟ سرباز بی‌نام و نشانی که جان

چرا هیچ سیلاب بتیان برانداز، و هیچ گردباد ویرانگری این مشعل را نتوانست خاموش سازد؟

از آن زمان که تاریخ و تاریخ‌نویسی از صورت افسانه‌پردازی و شرح احوال‌نویسی خارج شده، و دانستی‌هایی چون جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، باستان‌شناسی، تاریخ هنر و حتی ریاضیات و بسیاری از دانش‌های دیگر بخدمت تاریخ‌نویسی درآمده، همه جویندگان راستین تاریخ، همواره این پرسش را ازخود و دیگران کرده‌اند.

چرا رویدادها و تاخت‌وتازها، و دیگر گونیهای دینی و سیاسی هیچیک نتوانست مشعل درخشان تمدن و فرهنگ ما را خاموش سازد؟

ریشه این پایداری را باید در ایمان فرد فرد ملت ایران جستجو کرد.

هر ایرانی همواره نگرهبانی بوده، بر آنچه بوملن او تعلق داشته. نگرهبانی از جان گذشته که هیچ عاملی در ایمان او رخنه نکرده است.

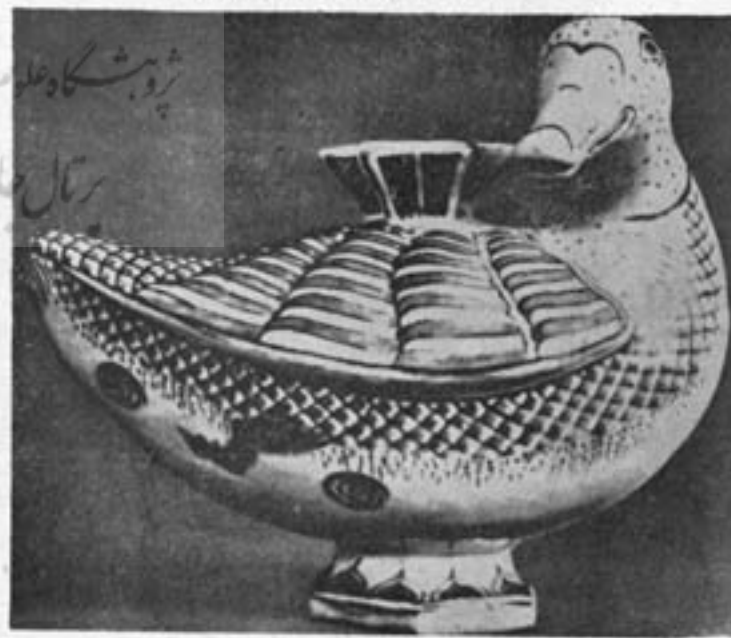
و همین نگرهبانان با ایمان بوده‌اند که با پاسداری درحفظ آداب ورسوم، و سنن ملی، سرزمین خود را با همه ویژگیهای



صراحی بشکل بط - یوزه ارمیناز سده هفتم یا هشتم میلادی



صراحی بشکل بط - سده دهم هجری

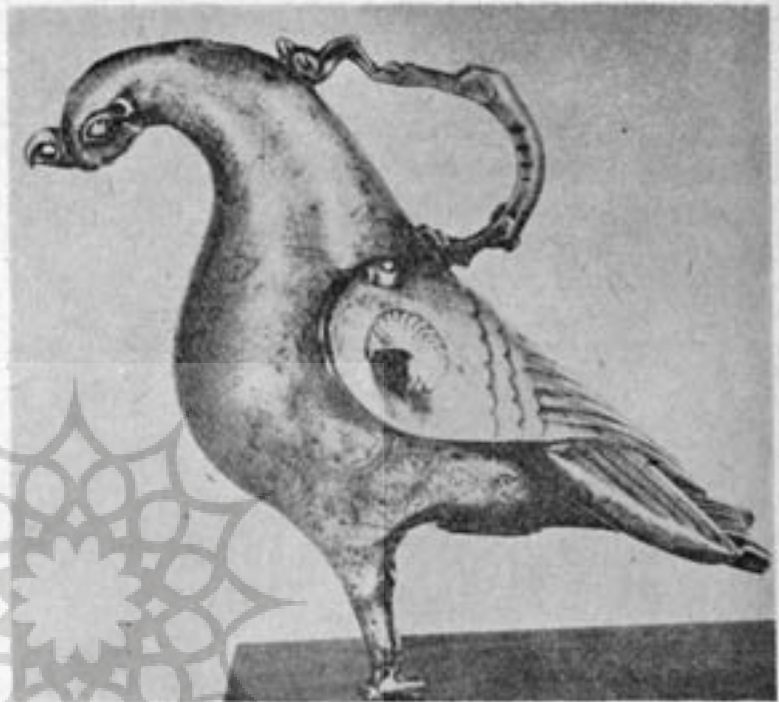


بدین سان سرزمین ما با همه ویژگیهای فرهنگی و ملی خود، در برابر سیلابهای بنیان کن، و رویدادهای سهمناک استوار مانده است.

این استواری آسان بدست نیامده هر قطره خون ایرانی که در پهنشت ایران بزرگ، یا دور از این سرزمین ریخته شده قطره روغنی بوده است که این مشعل را فروزان نگاهداشته،

خود را فدا میکند، و پیروزی را با خون خود میخورد؟ یا سرداری که رهبری جنگ را بدست دارد؟

این پرسش است که یافتن پاسخ آن بسیار سخت است. شاید گفته شود که این دو لازم و ملزوم یکدیگرند، و این یکی بدون آن دیگری کاری از پیش نخواهد برد. در اینجا ما در جستجوی آن نیستیم تا بگوئیم سهم نخستین



راست: صراحی بشکل مرغ - موزه ارمنستان سده هفتم میلادی

چپ: صراحی با لوله بشکل مرغ - موزه ارمنستان سده هفتم میلادی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

21

صفحه مقابل راست: صراحی با لوله بشکل خروس - موزه ارمنستان سده هفتم میلادی

چپ: صراحی با نقش مرغ - سده هفتم موزه ارمنستان

و هر مغز اندیشمندی که اثری از خود در درازای تاریخ ایران برجای گذاشته، و یا سرانگشت توانای هر هنرمند نامور یا گمنامی که اثری هنری بوجود آورده، خشتی بوده است که این کاخ استوار را برای داشته است.

همه ایرانیان چه آنانکه در مرزهای گسترده شاهنشاهی داریوش بزرگ نیزه های پاری را در کشور های دور بدوش

یا بیشترین از آن کیست؟ زیرا همه در جستجوی و تکاپوی رسیدن بیک هدف بوده اند. بلکه بر آنیم که بگوئیم فرد فرد ملت ایران در این استواری و پایداری شریک بوده اند.

هر ایرانی در سراسر تاریخ چند هزار ساله ایران، سربازی جانفشان بوده تا آنچه را که از پدران خود باز یافته بفرزندان خود بپسارد.

و هنر ایران داشته‌اند، هنرمندان فلزکار و سفالگر و دیگر هنرمندان در بقای فرهنگ و هنر ایران دارند. اگرچه گروه اول نام آور شده و گروه دوم در گمنامی مانده‌اند. در اینجا است که باید سهم گروه دوم را فراموش نکرد، زیرا در پایداری تمدن و فرهنگ و وطن ما آنان نیز سهمی بسزا دارند. از این گروه هنرمندان اگرچه بجز معدودی بقیه نامی

کشیدند، وجه ایرانیانی که تمدن اسلامی را که خمیرمایه آن فرهنگ ایرانی بود تا سرحد چین، و دل آفریقا، و مرکز اروپا گسترش دادند، همه در پایداری و بقای ملیت و ملت ما شریکند.

مورد گفتگوی ما در اینجا آنست که بگوئیم هنر ایرانی چه سهمی در روشن نگاهداشتن این مشعل فروزان داشته،



در تاریخ ما ندارند، اما آثار آنان گواهی است بر کوششی که در راه روشن نگاهداشتن مشعل تمدن کشور ما کرده‌اند، و لازم است که بر کوشش آنان ارج بسیار نهیم، یادشان را گرامی داریم. وفاداری بسنت‌های هنری یکی از ویژگی‌های هنرمندان ایرانی بوده، و این وفاداری خود یکی از پایه‌های استوار ماندن ملت ایران در برابر رویدادهاست.

و هنرمندان ایرانی چگونه و با چه شیوه‌ای عصاره وجود خود را روشن‌گر این مشعل پاک و درخشان ساخته‌اند. فرهنگ و تمدن مجموعه‌ایست از عوامل مختلف، و پدیده‌های فکری و هنری و مادی و معنوی که مکمل یکدیگرند و نمیتوان هیچ رشته‌ای را بر رشته دیگر برتری داد. همان سهمی که شاعران و نویسندگان در بقای فرهنگ

هنرمندان خود از پایه‌های اصلی پایداری و بقای فرهنگ و هنر کهن ایران میباشد .

هنرمندان این مرز و بوم در سخت‌ترین روزگارها کوشیده‌اند تا آثاری پدید آورند که نمایشگر فرهنگ پاک ایران باشد .

براست که کار آنها را ارج نهیم و درشناسائی و شناساندن آن بکوشیم .

در اینجا ما بر آنیم که در پیرامون گونه‌ای صراحی ایرانی گفتگو کنیم که از سده‌های بسیار دور تا همین چندی پیش ، در ایران متداول و مرسوم بود ، و هنرمندان ایرانی به پیروزی از سنت پدران خود آثاری بهمان شیوه و شکل پدید می‌آوردند .

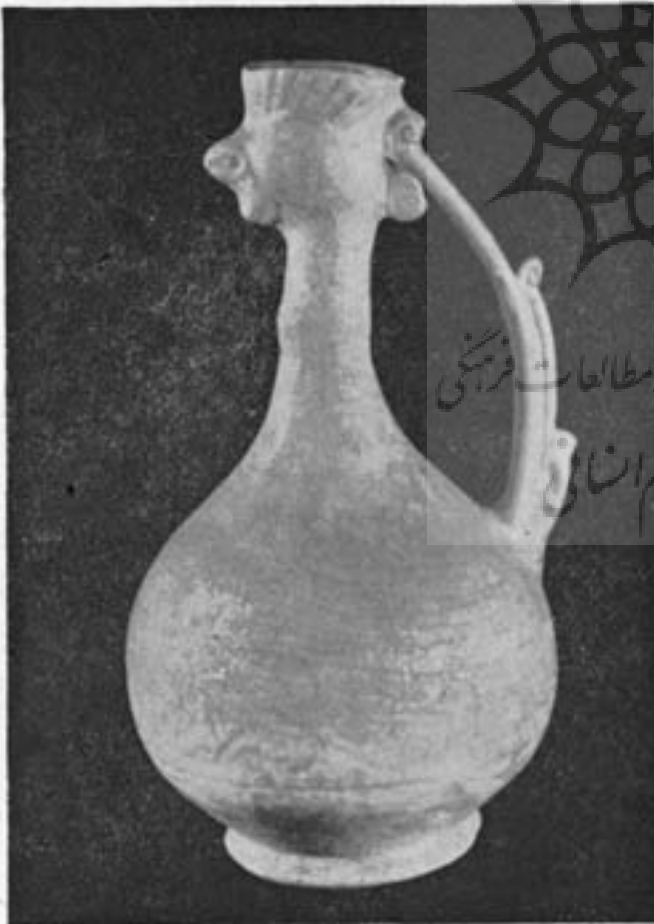
این گونه صراحی که باعتبار شکل آن در ادبیات فارسی « بمرغ صراحی » مشهور است گاهی بشکل مرغابی « بط » و زمانی بشکل خروس و یا پرندگان دیگر ساخته میشده‌است . گونه اول را « بط باده » یا « بط شراب » و گونه دوم

در اینجا است که ارج و ارزش هزاران هزار هنرمند گمنامی که با وفاداری نسبت بسنتهای اصیل هنری پدران خود ، پایه بقا و استقلال و سرافرازی ملت و کشور ما را استحکام بخشیده‌اند روشن میشود . گفتیم که ایرانیان همواره کوشیده‌اند تا شخصیت و ارزش راستین خود را نه تنها محفوظ دارند بلکه بر غالبین نیز تحمیل کنند و پیوسته در این راه پیروز بوده‌اند .

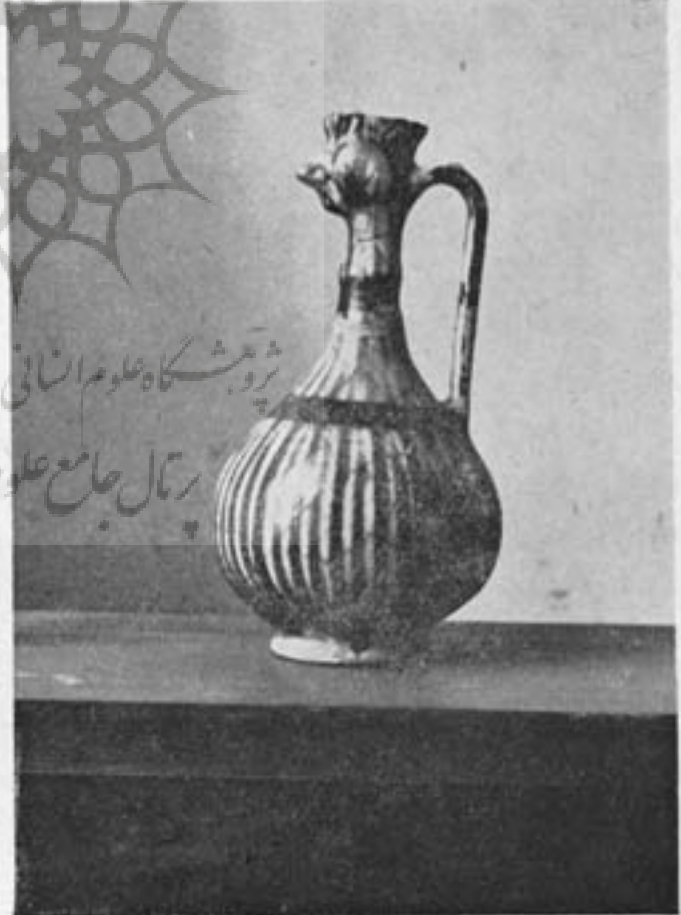
نقش هنر و آثار هنری و خلق آثاری که بر پایه آداب و سنن و رسوم ملی استوار بوده‌است در بقای تمدن و فرهنگ ما بسیار پر ارزش است ، و اگر چه در گذشته کمتر باین اصل توجه شده و حتی مورخین کشور ما به هنرمندان کمتر توجه کرده ، و چهره بسیاری از آنها را گرد فراموشی پوشانده ، اما آثار آنان گواه تلاش آنها است .

دامنه گسترده هنرهای دستی ، همیشه یکی از جویانگه‌های هنرنمایی هنرمندان ایرانی ، و جلوه گاهی برای آداب و رسوم و سنت‌های هنری میهن عزیز ما بوده‌است . و این سنت‌گرایی

صراحی سفال لعابدار سده ششم - گرگان - موزه ایران باستان



صراحی سفال لعابدار بشکل خروس - گرگان



را بطور کلی «مرغ سراحی» می‌نامیده‌اند.

باین دو نام در ادبیات پارسی بسیار برمیخوریم. اما شاید کمتر توجه شده که این گونه سراحی از کی در ایران ساخته شده‌است. و شاید باشند کسانی که این دو نام را تنها در اشعار خوانده یا شنیده‌اند و هرگز این دو گونه ساغر را ندیده‌اند، و یا آنها که دیده‌اند هرگز نیندیشیده‌اند که نام آنها در زبان پارسی چه بوده‌است.

مذاک موجود نشان میدهد که ساختن اینگونه سراحی در ایران سابقه‌ای کهن دارد، و آنچه تردید ناپذیر است اینکه، از هزاره اول پیش از میلاد اینگونه سراحی‌ها در ایران متداول بوده‌است. یکی از نخستین نمونه‌های اینگونه سراحی، بطی است که از حفريات زیویه در کردستان بدست آمده و در اوائل هزاره اول پیش از میلاد ساخته شده‌است، و هنرمند با رنگ - آمیزی بدنه بط کوشیده است که پروبال آنرا مجسم سازد. (شکل ۱)

دومین نمونه بطی از جنس برنز (شکل ۲) با پروبال برجسته قلمزده زیبا که دم آن بدسته تبدیل شده‌است.

این بط اگر چه بایستی پس از دوره ساسانی ساخته شده باشد، اما ویژگیهای فلزکاری عمر ساسانی را بخوبی نشان میدهد. (دهانه قیفی شکل پشت بط که محل ریختن باده در آن بوده شکسته است). زمان ساختن این بط باید اواخر سده هفتم و یا آغاز سده هشتم میلادی باشد و این خود نشان میدهد که اینگونه سراحی در دوره ساسانی رواج داشته است.

از این بط که بگذریم متأسفانه تا دوره صفوی بطی چون دو بط یاد شده در دست نیست. اما شواهد ادبی بسیار در دست است که اینگونه سراحی در ایران متداول و معمول بوده‌است. در فرهنگهای فارسی اینگونه سراحی را «بط می»، «بط باده»، «بط شراب»، «بط مهیا»، «بط سرخاب‌زای» و غیره نامیده‌اند و همه فرهنگها نوشته‌اند که گونه‌ای سراحی است که

سراحی سفال لعابدار - سده هفتم - هشتم ه. سلطان آباد - موزه ایران باستان

سراحی سفال لعابدار دیوخته - گرگان سده هفتم ه. موزه ایران باستان





صراحی بشکل خروس - سفال لعابداری - ری سده ششم هجری

بصورت بط سازند<sup>۱</sup>. شعرای ایران نیز در وصف این گونه صراحی اشعار بسیار سروده‌اند و ابیات زیر نمونه‌هایی است از این اشعار:

منوچهری شاعر سده پنجم هجری گوید:

مطرب سرمست را باز هش آوردنا  
در گلوی او بطی باده فرو کردنا<sup>۲</sup>

\*

و این بیت از شیخ اجل سعدی:

می لاله‌گون از بط سرنگون  
روان همچنان کز بط کشته خون<sup>۳</sup>

که نشان‌دهنده رواج بط باده بروزگار اوست.

امیر خسرو دهلوی گوینده سده هشتم هجری نیز در خسرو شیرین خود از بط باده یاد میکند و میگوید:

برسم خسروان مجلس برآراست

خردمندان نشستند از چپ و راست

سیم می شد اندر جانوازی

درآمد ساغر اندر بوسه بازی

بیاله برد بر رسم ظریفان

زمین بوس صراحی بر حریفان

خرامان گشت ساقی باده در دست

وی از می مست میخواران از او مست

زهر سازیکه در آواز می شد

سر قسرای می باز می شد

شده در دلشکافی زخمه زار

بدلدوزی شده ابریشم تار

بطان باده و مرغیان آتش

ز شادی گریه میکردند خوشخوش<sup>۴</sup>

شاعر آسمانی حافظ شیرازی نیز در غزل مشهور خود به مطلع:

رسید مزده که آمد بهار و سیزده بهمن

وظیفه گریه برد معرقت گل است و نبید

به بط شراب اشاره میکند و میگوید:

صغیر مرغ برآمد بط شراب کجاست

فغان فتاده به بلبل نقاب گل که درید<sup>۵</sup>

این بیت نیز از ساقی‌نامه منسوب باوست:

بیا ساقی از باده پرکن بطی

معنی کجائی بزنی بر بطی

این بیت نظیری نیشابوری (در گذشته سال ۱۰۲۳ هجری)

نیز درباره بط می است:

ما برکناره تشنه یک گوش ماهتم<sup>۶</sup>

طوفان گذشته از شط خم در گلوی بط<sup>۷</sup>

در دیوان<sup>۸</sup> شاعر توانا صائب تبریزی (در گذشته سال

۱۱۹۸ هجری) نیز به «بط باده» بسیار بر میخوریم:

از می‌کده چون خواب بر آیم که بط می

از گز می هنگامه کبابست در اینجا

\*

ز چشم بد خراپات معان را حق نگهدارد

که دارد هر بط می شیر مرغ و جان آدم را

\*

سرود مجلس ما جوش مستی ازل است

بط شراب در اینجا خروس بی محل است

\*

تا چند پی کبک بکهار در آئی

در پای خم امروز شکار بط می کن

\*

نشسته باده توحید بر آن روند حلال

که بط باده کم از مرغ حرم شناسد

این ابیات از شعرای ایران بخوبی نشان می‌دهد که در زمان آنها «بط باده» بکار می‌رفته و گرمی بخش بزمگه مردم بوده است.

بخش قیفی شکل این صراحی نیز شکسته است که محل آن در تصویر دیده میشود.

گذشته از آن که صراحی‌ها را بشکل مرغ میساختند، بکاربردن مجسمه با تصویر مرغ برای تزئین صراحی در دوره ساسانی بسیار رایج بوده است. در شکل ۵ و ۶ دو صراحی برقری دیده میشود که علاوه بر تزئینات برجسته بدنه و گلوله آن بشکل مرغ ساخته شده است. شکل شماره ۷ صراحی دیگری است که بریدنه آن تصویری از مرغ کنده کاری شده است. در میان آثار دوره اسلامی باینگونه صراحی‌ها بسیار برمیخوریم، که نمونه‌های آن بشرح زیر است:

- ۱ - صراحی سفال لعابدار ترك ترك بشکل خروس (شکل ۸) کارگرگان، سده ششم هجری، موزه اصفهان.
- ۲ - صراحی سفال لعابدار ساده بشکل خروس (شکل ۹) کارگرگان، سده ششم هجری، موزه ایران باستان.
- ۳ - صراحی سفال لعابدار دوپوسته، کارگرگان، سده هشتم هجری، موزه ایران باستان (شکل ۱۰).
- ۴ - صراحی سفال لعابدار سده هفتم یا هشتم هجری، کار سلطان آباد، موزه ایران باستان (شکل ۱۱).
- ۵ - صراحی سفال لعابدار بشکل خروس، کاری، سده ششم هجری (شکل ۱۲).
- ۶ - صراحی سفال لعابدار بشکل خروس، کارکاشان سده هفتم هجری (شکل ۱۳).

در ادبیات پارسی نیز بایات فراوانی از شعرا در دوره‌های مختلف برمیخوریم که نشان‌دهنده این موضوع است، که «مرغ صراحی» در دوره‌های گوناگون ساخته میشده و بین مردم رایج و مورد استفاده بوده است.



صراحی بشکل خروس - سفال لعابدار - کاشان - سده هفتم هجری

- ۱ - ن. ک. - فرهنگهای فارسی چون فرهنگ معین، آنتدراج، لغت‌نامه دهخدا و جز آن.
  - ۲ - ن. ک. - بواژه بط در لغت‌نامه دهخدا.
  - ۳ - کلیات سعدی، ص ۲۴۸ - تصحیح مرحوم فروغی.
  - ۴ - خسرو شیرین چاپ شوروی، ص ۶۷.
  - ۵ - دیوان حافظ چاپ انجمن شیرازی.
  - ۶ - تذکره میخانه ساقی‌نامه حافظ.
  - ۷ - گوش‌ماهی گونه‌ای ساغر است و در فرصتی دیگر پیرامون گونه‌های دیگر صراحی و ساغر در ایران مطالبی خواهیم داشت.
  - ۸ - ن. ک. - بواژه بط در لغت‌نامه دهخدا.
  - ۹ - دیوان سائب تبریزی - بکوش امیری فیروز کوهی - چاپ خیام.
- \* آقای سیدعلی امام شوشتری در کتاب «فرهنگ واژه‌های فارسی در زبان عربی» زیر واژه «بط» می‌نویسد:  
«از این بط‌ها تا چندی پیش در برخی خاندانهای شوشتر وجود داشت که ساخت همان شهر بود و آنها را (گردن قاز) می‌گفتند» ص ۸۸ چاپ انجمن آثار ملی.

و اسپین بطی که از آن یاد میکنیم بطی است از جنس چینی که در سده دهم هجری در ایران ساخته شده است (شکل ۳). چه بسا که در گوشه و کنار کشور عزیز خود ما، و در میان آثار تمدن ایران عزیز در دیگر کشورهای جهان، نمونه‌های بسیار از اینگونه بط‌ها موجود باشد که تاکنون ناشناخته مانده باشد\*.

گونه دیگری از صراحی‌ها چنانکه گفتیم بطور کلی بشکل مرغ ساخته شده‌اند، اینگونه صراحی‌ها گاهی با دسته و زمانی بدون دسته‌اند.

کهن‌ترین نمونه‌ای که از اینگونه صراحی در دست داریم، صراحی برقری دسته‌داری است که حدود اواخر سده هشتم میلادی، یعنی پس از ساسانیان، اما بسبب و شیوه کامل ساسانی ساخته شده، و در موزه برلین نگاهداری میشود. (شکل ۴).



خاقانی شروانی شاعر گرانقدر سده هشتم هجری ایبات  
زیرا در وصف «مرغ صراحی» دارد:

گوهر می آتش است ورد خلیش بخوان  
«مرغ صراحی» گیل است باد میحش بدم

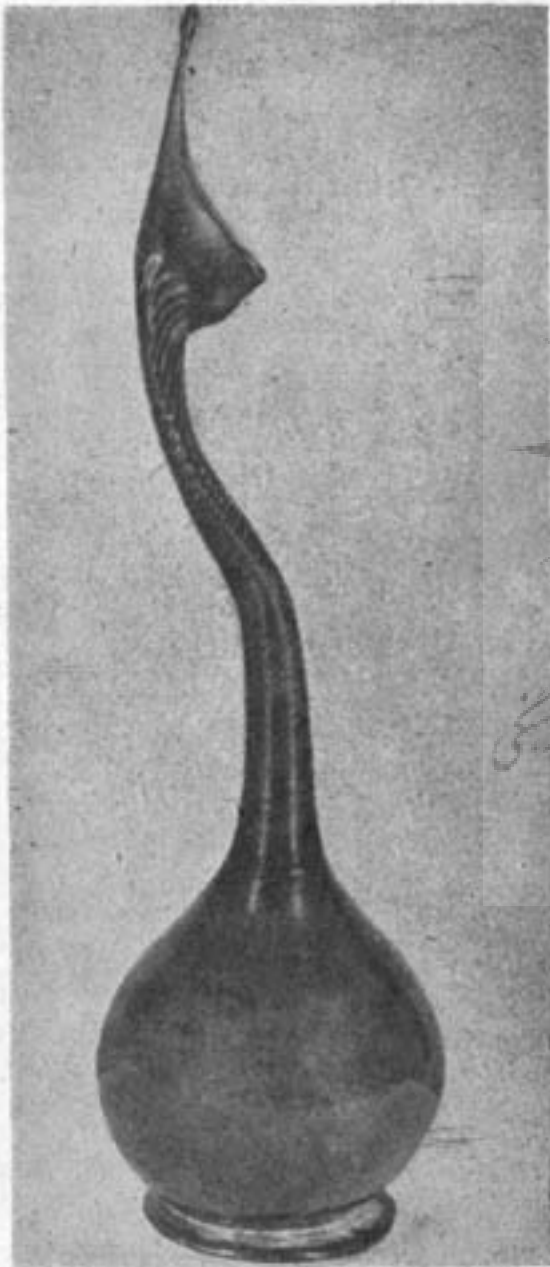
\*

بنجه ساقی گرفت «مرغ صراحی» بدم  
ز آتش صبح اوفتاد دانه دلها بتاب

\*

و در بیت بسیار زیبای زیر «مرغ صراحی» را بطوطی تشبیه  
می کند:

راست: صراحی بشکل مرغ از شیشه، کار شیراز، سده ۱۱ هجری  
چپ: صراحی بشکل مرغ از شیشه، کار شیراز، سده ۱۳ هجری



صراحی شد بچشم مست هشیار  
چو طوطی سبزرنگ و سرخ منقار

\*

«مرغ صراحی» کنده بر برداشته يك نیمه سر  
وز نیم منقار دگر یاقوت احمر ریخته  
این بیت اشاره است روشن بصراحی هائی که نمونه آن  
در شکل ۷ مشاهده میشود.

و این دوبیت زیبا نیز از خاقانی است:

آمد بچمن مرغ صریحا بشغب  
جان تازه کن از «مرغ صراحی» بطرب  
چون بینی هردو مرغ را گل بر لب  
منشین لب گل جوی و لب جوی طلب

و نظامی گنجوی گوینده شیرین سخن پارسی در وصف مجلس زم  
خسرو گوید:

یکی شب از شب نوروز خوشتر  
چو شب کر روز عید اندوه کش تر  
سماع خرگهی در خرگه شاه  
ندیمی چند موزون طبع و دلخواه

صراحی چون خروسی ساز کرده  
خروسی کو بوقت آواز کرده  
ز رشک آنخروس آتشین تاج  
گهی تیهو بر آتش گاه دراج

اشاره نظامی گنجوی بصراحی خروس شکل و نمونه هائی  
چون صراحی های شماره ۵ و ۹ تا ۱۳ نشان دهنده این موضوع  
است که بیشتر صراحی ها بشکل خروس ساخته میشوند.  
عارف بلند پایه و شاعر توانا عطار نیشابوری در خسرو نامه<sup>۱۳</sup>  
خود بهنگام وصف جشن خسرو گوید:

نشسته شاه رومی همچو جمشید  
بسر بر افسری روشن چو خورشید  
بزرگان و وزیران معظم  
همه بر پای مانده دست برهم

بسر بر نوخطان تاج مکتل  
کشیده حلقه چون خط مسلسل  
بدمت آورده هر يك جام زرین  
چو ماهی کاورد بردست پروین  
ز گلبن تا بگلبن می گرفته  
زرنگ می رخ گل خوی گرفته

شراب زهرگین شکر فشانده  
زمی «مرغ صراحی» پرفشانده

صراحی همچو مرغان سحرخیز  
ز مقلب کرده در مجلس شکروریز

در سده نهم هجری که سفال سازی در ایران رویانحطاط  
میرود، ساختن «مرغ صراحی» از سفال لعابدار نیز کم کم از  
روتق میافتد. اما حفظ سنت هرگز از روتق نمیافتد و سنت  
کهن ایرانی بگونه ای دیگر جلوه گر میشود. از این زمان بیعد  
است که ما «مرغ صراحی» را از جشن شیشه می یابیم ویزودی  
مرغهای شیشه ای جای مرغهای سفالی را پر میکنند.

این صراحی ها نیز از نظر شکل بصورت مرغ ساخته  
میشوند (شکل ۱۴). با این تفاوت که بدون دسته بودند و سر  
آنها نیز بطور کامل شبیه بمرغ نبود، بلکه شامل نیمه ای از سر  
و منقار مرغ میشد. بهترین نمونه این صراحی ها در زمان صفویه  
و پس از آن در شیراز ساخته شده اند.

شکل شماره ۱۵ و ۱۶ نمونه های دیگری از «مرغ صراحی»  
ساخت شیراز است که در سده ۱۱ و ۱۲ هجری ساخته شده اند.  
آنچه در پایان این گفتار گفتنی است آنکه می بینیم که  
سده های بسیار سنت های هنری بوسیله هنرمندان ایرانی از پدر  
به پسر نقل شده همواره مورد احترام بوده است. و این حفظ  
سنت که خود از میثاتی پایداری ملیت و کشور ما بوده درخور  
بسی ستایش است.

۱۱ - دیوان خاقانی شروانی - چاپ انجمن آثار ملی .

۱۲ - خسرو شیرین نظامی - تصحیح و تجدید دستگردی .

۱۳ - خسرو نامه عطار - چاپ انجمن آثار ملی .